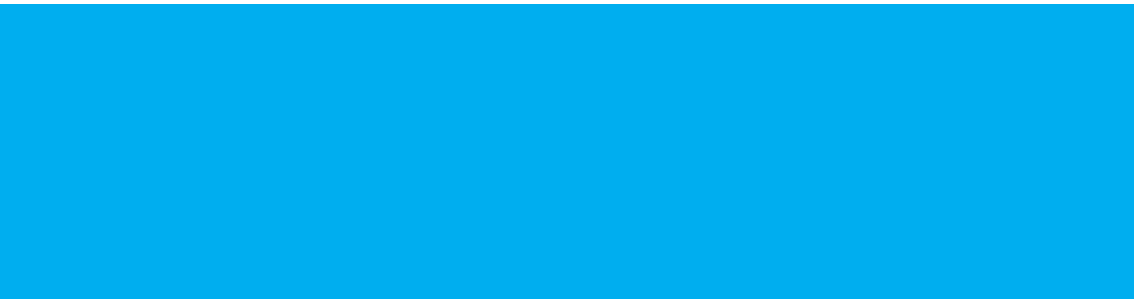




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





پدري از جنس خورشيد

نگاهی به سیره شیخ الشهدای حزب الله
شهید شیخ راغب حرب

سرشناسه : حرب، حوراء راغب
 عنوان و نام پدیدآور : پدری از جنس خورشید
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۸۸ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵سم.
 شابک : 978-964-495-452-8 : ۳۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیپاک مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شناسه افزوده : مهدی زاده، محمدجواد، مترجم
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۷۵۶۸۹



پدری از جنس خورشید

نگاهی به سیره شیخ الشهدای حزب الله

شهید شیخ راغب حرب

نویسنده: حوراء راغب حرب

ترجمه: محمد جواد مهدی زاده

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴ // شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان // نیتوگرافی: سحر // چاپخانه: آفرنگ // صحافی: صداقت

طرح جلد: امیر خلیلی فرد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۴۵۲-۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و پخش: خیابان پاسطور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۹۷۰۲۰۵

نمایندگیهای فعال در استانها و شهرستانها:

- اردبیل - ۰۴۵۱ ۲۲۵۳۸۰- // اهواز- رسانه بیداری ۰۶۱۱۲۹۲۳۱۷۸ // اهواز ستاد اقامه نماز ۰۶۱۱۳۹۱۰۰۹ // بابل - ۰۱۱۱ ۲۲۰۷۷۴۲
 بندر لنگه ۰۹۱۳۸۴۶۰۳۳۲ // بوشهر ۰۷۷۱ ۲۲۵۴۳۵۴۶ // بیهقان ۰۹۱۶۳۷۲۶۳۶۹-۰۹۱۶۳۷۲۶۳۶۹
 تهران انتشارات صبح امیر ۸۸۹۷۶۷۰-۸۸۹۶۹۰۷۸ // تهران چاپ نشر بین الملل ۸۸۹۰۲۸۴۳ // چهارم - ۰۷۹۱ ۲۲۷۵۸۳۵-
 شیراز - ۰۷۱۱ ۲۳۵۹۰۲۳- // شیراز - ۰۷۱۱ ۶۳۶۶۷۴۳- // شیراز - ۰۷۱۱ ۶۲۷۲۶۶۲- // شیراز - ۰۷۱۱ ۸۲۰۶۹۷۰- // قم - ۰۷۸۳۹۴۰-۰۲۵۱ ۲-
 قم - ۰۲۵۱ ۷۷۳۰۷۳۵- // قم - ۰۲۵۱ ۷۷۴۲۱۵۵- // مازندران- ساری - ۰۱۱۳۳۴۴۷۰۵-۰۹۱۱۱۵۴۳۱۷۹ // مرند - ۰۹۳۶۶۰۵۱۳۵۹-
 مشهد - ۰۵۱۱ ۲۲۳۶۵۷۸- // مشهد - ۰۵۱۱ ۲۲۵۵۲۹۴- // یاسوج - ۰۷۴۱ ۲۲۳۶۴۰۹- // یزد - ۰۳۵۱ ۶۳۷۷۷۱۲-

نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است



فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه
۱۵	مقدمه مؤلف
۱۷	تقدیم
۱۹	خاطره اول / بر آستان خاطرات
۲۱	خاطره دوم / آن فرشته‌سان باز آمد
۲۴	خاطره سوم / سرودهای جاده
۲۷	خاطره چهارم / جوان اسلام
۲۹	خاطره پنجم / نجوای فرشته
۳۱	خاطره ششم / سیلی از روی محبت!
۳۳	خاطره هفتم / اعتماد به نفس
۳۵	خاطره هشتم / بوسه بر پیشانی (داستانی در مورد مجاهد شهید حسن مالک حرب)
۳۷	خاطره نهم / ایمان ناب
۴۱	خاطره دهم / پدر یتیمان زینب (سلام الله علیها)
۴۴	خاطره یازدهم / مؤذن کوچک
۴۶	خاطره دوازدهم / زیباترین موعد
۴۹	خاطره سیزدهم / ایشار
۵۲	خاطره چهاردهم / توکل بر خداوند
۵۵	خاطره پانزدهم / خاطراتی از روستای «شرقیه»
۵۹	خاطره شانزدهم / قلب گرمی بخش
۶۱	خاطره هفدهم / تواضع قهرمانانه!
۶۴	خاطره هجدهم / درختی که میوه‌اش شهیدانند
۶۷	خاطره نوزدهم / پیروزی پاکان!
۷۵	خاطره بیستم / بشارت پیروزی در روایت دیگری از همسر شهید!
۷۸	آخرین خاطره / شبی که جهان را دگرگون کرد





مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ...» «صدق الله العلي العظيم».

نخستین باری که با نام شیخ شهیدان مقاومت اسلامی لبنان - حجت الاسلام راغب حرب - آشنا شدم به یازده سال قبل از انتشار ترجمه این کتاب باز می‌گردد.^(۱)

نگاهی به سیره شهیدای حزب الله

شهید شیخ راغب حرب، متأسفانه برخلاف شهیدان سیدعباس موسوی و حاج عماد مغنیه، در ایران چندان شناخته شده نیست. تا امروز نیز بجز چند مورد ویژه‌نامه کاری در خور شأن این شهید جهت معرفی آن به مردم ایران اسلامی - خصوصاً جوانان انقلابی هوادار جنبش حزب الله - انجام نشده است. قبل از توضیح در مورد متن کتاب، که توسط سرکار خانم «حوراء حرب» فرزند ارشد شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان برای ذکر خاطراتی از پدر شهیدش تألیف شده، شرح مختصری از زندگی و مبارزات شهید شیخ راغب حرب خدمت شما ارائه گردد.

۱ - این شهید را در اولین سری بازی رایانه‌ای منتشر شده از سوی حزب الله لبنان (موسوم به «القوة الخاصة») دیدم.

شیخ راغب حرب فرزند حاج احمد در سال ۱۹۵۲ م. (برابر سال ۱۳۳۱ هـ.ش.) در خانواده‌ای مذهبی و در عین حال سلحشور با سابقه مبارزاتی علیه استعمار در روستای «جیشیت» از توابع شهرستان «نَبْطِیَّة» در جنوب لبنان به دنیا آمد. دلیل نام‌گذاری شهید به «راغب» از سوی پدرش، گرامیداشت یاد یکی از بزرگان خاندان حرب بود که راغب نام داشت و در نبرد با استعمار فرانسه به شهادت رسیده بود.

چنان‌که از اطرافیان شهید- مخصوصاً مادر آن بزرگوار- نقل شده، راغب از کودکی تقید به مسائل دینی خصوصاً نماز اول وقت داشته است. داشتن چنین خصلتی در کنار علاقه وافر پدرش جهت فرستادن یکی از فرزندان به حوزه علمیه جهت کسب افتخار تبلیغ اسلام، سبب شد که شیخ راغب پیش از بیست سالگی به کسوت طلبگی درآید، اما پیش از آن، ارتباط او با ملت فلسطین آغاز شده بود.

در زمان حضور شیخ راغب در جنوب لبنان، آن ناحیه از کشور مرکز فعالیت و اقدامات گروه‌های شبه نظامی فلسطین علیه شهرک‌های صهیونیست‌نشین شمال فلسطین اشغالی بود. ضمناً بخش قابل توجهی از این گروه‌ها رفتار و عقاید اسلامی نداشتند. پدر و مادر شیخ نیز بشدت نگران این موضوع بودند که مبادا مسأله آرمان فلسطین باعث شود راغب به جریاناتی از فلسطینیها پیوندد که تقیدی به اسلام ندارند. رفتارهای تند و غیر انسانی برخی از گروه‌های مبارز فلسطینی علیه مردم جنوب لبنان نیز این احساس پدر و مادر را در مورد فرزند ارشدشان تقویت می‌کرد. سرانجام راغب حرب چند روز پس از پیوستن به یکی از این گروه‌ها، با ناراحتی و خشم به خانه بازگشت و مصرانه آماده ترک منزل برای عزیمت به بیروت جهت آغاز دروس حوزوی شد. مدت زیادی نیز از حضورش در بیروت نمی‌گذشت که با دختر عمویش "ایناس"- که از قدیم شناخت کاملی نسبت به هم داشتند- ازدواج کرد و در یکی از محلات فقیرنشین بیروت در منزلی ساکن شد.

شیخ راغب حرب مدّتی بعد برای ادامه تحصیل راهی نجف اشرف شد تا در جوار امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السّلام) به کسب معارف اهل بیت (علیهم السّلام) پردازد. با این وجود دیری نپایید که به دلیل واکنش‌های تندش علیه رژیم بعث عراق، عرصه بر وی تنگ و وادار به بازگشت به میهن شد. البته رژیم بعث عراق فردی را برای ترور وی فرستاد که شخص مذکور به دلیل مشاهده رفتار نیک شیخ راغب از ترور وی منصرف کرد.

شیخ راغب به فعالیتهای خود در روستاهای اطراف نبطیه (شهرستان زادگاهش) ادامه می‌داد تا این که خبر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تمام جهان را فراگرفت. وی که خود یکی از اعضای «کمیته‌های حمایت از انقلاب اسلامی ایران» در لبنان بود، در تمام منابر بیعت خود را با امام خمینی (ره) بیان داشت و رسماً خطاب به تمام روحانی‌نماهای ضدولایت فقیه در لبنان اعلام کرد: «آن عمامه‌ای که حاضر به بیعت با امام خمینی نباشد را به زمین کوبیده و خواهیم سوزاند!»

مواضع انقلابی شیخ راغب حرب که بشدّت مایه هراس گروههای منحرف مخصوصاً چپ‌گرایان لبنانی و فلسطینی شده بود، پس از آغاز تهاجم گسترده ارتش رژیم صهیونیستی به خاک لبنان (ژوئن ۱۹۸۲ برابر خرداد ۱۳۶۱) برای دشمن صهیونیست که زادگاه و محل فعالیت شیخ راغب حرب را نیز به اشغال درآورده بود، کاملاً مشخص شد. خطابه‌های آتشین ایشان علیه ارتش رژیم صهیونیستی، سرانجام باعث شد بنی صهیون از شدّت خشم، ایشان را دستگیر کنند. اما موج اعتراضات گسترده مردمی - چه در مناطق اشغالی و چه نواحی آزاد - عاقبت دشمن صهیونیست را وادار به آزادی آن راد مرد کرد و وی در میان جمعیت کثیر مردم استقبال کننده، وارد حسینیه روستای جیشیت شد.

شیخ راغب پس از آزادی از زندان، به فعالیتهای خود شتاب بیشتری بخشید، به گونه‌ای که طبق نقل اطرافیان، شخصاً به جمع‌آوری سلاح و مهمات برای جوانان هم‌رزم مقاومت مردمی - که مدتی بعد در قالب جنبش مقاومت اسلامی لبنان

(حزب‌الله) اعلام موجودیت کردند- مبادرت می‌ورزید.

عاقبت دشمن صهیونیست که از گسترش نفوذ شیخ راغب حرب به دیگر مناطق اشغالی لبنان هراس داشت، از طریق یکی از مزدورانش (که هویت وی هرگز شناسایی نشد) در شامگاه پنجشنبه ۱۶ فوریه ۱۹۸۴ (بهمن ۱۳۶۲) اقدام به ترور این عالم مجاهد کرد تا وی سرانجام به مولای خود امام حسین (علیه‌السلام) ملحق شود.

از مهم‌ترین ثمرات خون پاک این شهید، اولین عقب‌نشینی گسترده صهیونیستها در یک‌سال بعد بود.

کتابی که هم اکنون در مقابل شماست، مجموعه‌ای است از خاطرات اشخاص مختلف از آن شهید سرافراز بخصوص خانواده‌ی ایشان که توسط دختر محترمشان به تألیف درآمده است. امید است مطالعه این کتاب بتواند در گسترش نام و مسیر شیخ شهیدان حزب‌الله در میان دوستانان جهاد و شهادت در ایران اسلامی اثرگذار باشد.

کتاب "پدری از جنس خورشید" (با عنوان اصلی "حنین الی شمسِ اُمی") در سال ۲۰۰۹ م. (برابر ۱۳۸۸ هـ. ش.) به همت انتشارات المحجّة البيضاء در بیروت چاپ شد. خانم حوراء حرب این خاطرات را از زبان خود و دیگر نزدیکان به رشته تحریر درآورده است که قطعاً مطالعه آنها باعث تحسین و در عین حال شگفتی خواننده محترم خواهد شد.

موضوع مهم و قابل توجه، روحیه قوی و شگفت‌انگیز مردم شهرک مقاوم "جبشیت" در حومه شهر "نبطیه" در جنوب لبنان است.

در پایان، ثواب این کار فرهنگی را به روح مطهر دو سردار و مجاهد دلیر اسلام و مقاومت اسلامی لبنان، شهیدان "حاج سید مصطفی زلزلی"، فرمانده گردان «امیرالمؤمنین (ع)» در جنگ ۳۳ روزه، و شهید "حسن مالک حرب" تقدیم می‌کنم

و از روح مطهرشان توفیق عمل به سیره شهدا را خواستارم.
خداوند، آنان و دیگر شهیدان مقاومت اسلامی لبنان خصوصاً شهید «حاج
حسنان اللقیس» را با امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) و دیگر شهیدان کربلا
مشحور فرماید. ان شاء الله.

وعلى الله فليتوكل المؤمنون

محمد جواد مهدی زاده

۲۷ دی ۱۳۹۲

تهران





مقدمه

معاون دبیر کل حزب الله لبنان

حجت الاسلام شیخ نعیم قاسم

سپاس خداوند را به پاس هدایتش و درود و سلام بر هدایتگران فرخنده از سوی او، حضرت محمد(ص) و خاندان نیک و پاکش و برگزیدگان اصحابش و عالمان عامل این دین تا روز قیامت.

هنگامی که نامه‌های فرستاده شده روزانه به دستم رسید، دیدم بسته‌ای از سوی "راغب حرب" درون آن قرار دارد. پس از گشایش آن، مجموعه‌ای از خاطرات پیرامون شهید گرانقدرمان شیخ راغب حرب را درون آن یافتم که توسط خانم "حوراء حرب" که به دست این "دختر مشتاق به پدرش" امضا و فرستاده شده بود. تصمیم گرفتم پیش از آن که شروع به مطالعه داستانها و آگاهی از مضمونشان کنم، مقدمه‌ای بر این مجموعه، به رسم تجلیل و وفاداری از این شهید سراسر الگو، بنویسم؛ چرا که این داستانها پیرامون شهید شیخ راغب حرب - عزیزى که مردم ما او را می‌شناختند و یا بعدها با وی بیشتر آشنا می‌شدند - نوشته شده بود و نویسنده آن کسی جز دختر و جگر گوشه‌اش «حوراء» نبود.

به محض این که شروع به مطالعه داستانها نمودم، انگار که حرکات و سخنان و جایگاههای شیخ را می‌دیدم. گویی به وسیله فکر کردن پیرامونش، در نزد حاضر شده بود. صحنه فعالیتهايش در "جَبشیت"، به همراه خانواده و یارانش، همان گونه

که بود و سپس رفت، به حافظه‌ام بازگشت.

خواهرمان خانم "حوراء حرب" با صداقت تمام، داستان‌هایی کوتاه اما واقعی و گویا را نوشته است که جناب شیخ و سادگی زندگی‌اش را به یادمان می‌آورد. این داستانها علی‌رغم کوتاه بودن، دارای عمقی تربیتی هستند که به صورت هدف‌دار، بدون سختی و پیچیدگی [در بیان و فهم]، به درون دلها نفوذ کرده و موقعیت و جایگاه این شهید را برای ما آشکار می‌سازند.

هدف دختر شیخ راغب از نوشتن این داستانها، چنین بوده که آنچه پدرش در شخصیت وی حک کرده را آشکار و حاضر کند. چرا که هدف وی این بود که همواره مُبلغی برای اسلام ناب محمدی باشد. شیخ در زندگی‌اش چنین بود؛ همچون نوری که هیچ چیز همچون مانعی بر سر راهش نمی‌شد. او هنوز هم پس از شهادتش مانند نوری که از دل زمان پرتو می‌افکند، پابرجاست.

ایشان ما را به یاد فرمایش امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به کمیل بن زیاد نخعی (رض) می‌اندازد که فرمود:

«ای کمیل، انبارکنندگان مال دنیا در عین زنده بودنشان مرده‌اند، ولی دانشمندان تا روزگار باقی است، پابرجایند. چشمه‌های حکمت‌شان ناپدید شده اما درسهای عبرت‌شان در دلها زنده است.»

ما به این الگوی برجسته و تمام‌الگوهای پاک از میان عالمان و رزمندگانمان افتخار می‌کنیم و با نوشتن شرح زندگی‌شان همواره خاطره آنها را زنده نگاه می‌داریم تا نسلهای آتی ما آموخته و با بهره‌گیری از منش و شخصیت آنان تربیت شوند و برآستی چه کسی از دختر مؤمن شیخ راغب حرب، "حوراء"، شایسته‌تر است برای برجسته کردن بخشهایی از زندگی شیخ شهیدان مقاومت اسلامی؟!

۱۷ ربیع‌الأول ۱۴۳۰ هـ

۱۵ مارس ۲۰۰۹

(۲۴ اسفند ۱۳۸۷)



مقدمه مؤلف

پدر گرانقدرم

بسیار تلاش نمودم که ذره‌ای از عظمت، ایمان، پاک‌ی، جهاد، صلابت، عشق به دین و جامعه و میهن و شهادت تو را بنگارم اما حتی نتوانستم یک حرف هم دربارهٔ آنها بنویسم، زیرا در دلم تنها عشق به توست.

من به خورشید درخشان پیشانی‌ات، به مهربانی و محبتت و به لبخند تو که دنیای مرا از نورانیت و آرامش خاطر سرشار می‌ساخت، عشق می‌ورزم. به همین خاطر تنها می‌توانم بعضی از خاطراتی که هنوز در نهانخانهٔ دل ساکن‌اند را به رشتهٔ تحریر درآورم؛ خاطراتی از آن لحظات شاد- که در کنارت بودیم و آنها را از دل زمانهایی کوتاه، با وجود مشغول بودن به تسکین غمهای مردم، دردهای مستضعفان و زخمهای میهن‌مان- بیرون کشیده‌ایم.

دختر مشتاق

حوراء



تقدیم

به کسی که همچون حضور خود، با غائب بودنش نیز عشق و مهربانی را به من بخشید...
به آن کسی که به من آموخت چگونه انسان در خانه، جامعه یا هر مکانی که در
آن قرار دارد، می‌تواند اثرگذار باشد...
به آن‌که با خونش، همچون طوفانی جاری شد تا به مردم، رازهای عشق و اخلاص
را بیاموزد...

به پدرم که در اعماق وجودم حضور دارد...
و به آن بانویی که عمر خود را همچون شعله‌ای، همچنان راههای پیش‌رویمان را
نورانی می‌کند...

به او که از دردهای قلب خود و ناراحتی روزگارش، بادبانهای کشتی‌رهایی را
ساخت... بادبانهایی که در هنگامه یورش تندبادها، در تلاطم امواج پیرامون‌مان، به
آنها پناه می‌بریم...

به او که هنوز هم نور چشمانش چون ستاره‌ای است که ما را به راه مستقیم
رهنمون می‌سازد...

به آن زن مجاهد و صبوری که راه پیش‌رویش را به سرانجام رساند و به ما هم مهر
مادری را بخشید و هم عنایت پدری را...

به مادر بزرگوارم که آرزومند سلامتی، تندرستی و طول عمر او هستم؛ و از
خداوند می‌خواهم که ما فرزندان را در ادای حقّ و سپاسگزاری از او یاری فرماید.

